

اهداف و کارکردهای خانواده در اسلام

در آموزه‌های اسلامی اهداف و کارکردهایی برای خانواده بیان شده است. توجه به این کارکردها در نگرش ما به این نهاد مهم اجتماع، تأثیر به‌سزایی دارد.



در آموزه‌های اسلامی اهداف و کارکردهایی برای خانواده بیان شده است. توجه به این کارکردها در نگرش ما به این نهاد مهم اجتماع، تأثیر به‌سزایی دارد.

یک) تأمین آرامش روانی همسران
یکی از نیرومندترین غرایز که دست خلقت در وجود انسان به ودیعت نهاده نیروی شهوت و غریزه جنسی می‌باشد. این نیرو از ابتدای تولد به صورت نهفته و خاموش در وجود انسان شکل می‌گیرد و تا زمان بلوغ، دوران آرامی را پشت سر می‌گذارد. شروع دوران بلوغ و نوجوانی زمان بیداری و شکوفایی نیروی جنسی است که به تدریج وجود نوجوان و جوان را در بر می‌گیرد. این قوه رفته رفته افکار و رفتار وی را تحت تأثیر قرار داده خودنمایی می‌کند. به همین اگر شهوت جنسی مهار نگردد فرد و جامعه را با مشکلات بلکه معضلات و حتی بحران‌هایی روبرو می‌سازد.

به منظور کنترل نیروی جنسی و پیشگیری از بروز انحرافات اخلاقی و اجتماعی از سوی علم یا دین راهکارهای متعددی مطرح شده است. از جمله می‌توان به شیوه‌های ذیل اشاره کرد: دوری از محیط‌های آلوده و ناسالم، کنترل مبادی ورودی دیداری و شنیداری، رعایت حریم در ارتباط با جنس مخالف، پرهیز از محرک‌های جنسی، پرداختن به ورزش و انجام کار مداوم. بی‌شک مهم‌ترین شیوه جهت پیش‌گیری از طغیان شهوت که به نحوه مؤثری کاراست، پرورش تقوا، ایمان و معنویت می‌باشد.

به طور کلی نسبت به غریزه جنسی می‌توان سه گونه رفتار نمود؛ رهاسازی، سرکوب کردن و مهار. شکی وجود ندارد که راهکار اول و دوم، افراط و تفریط بوده مسیری به سوی بن‌بست می‌باشد. این دو روش هم به لحاظ دینی و هم از نگاه علوم جدید قابل قبول نیست چنان که تجربه برخی از کشورها هم نشان می‌دهد بی‌بندوباری جنسی یا نابود کردن آن روا نیست. حال اگر شیوه مهار و کنترل در ارتباط با این قدرت نهفته، صواب و رواست، عقل، دین و تجربه ما را به یک سمت هدایت می‌کند.

باورها و اعتقادات دینی به بهترین وجه می‌تواند در تقویت نیروی کنترل و نیز کاستن از انحرافات جنسی قدرت‌نمایی کرده بخش مهمی از مشکلات فرد و جامعه را حل کند. بررسی تمامی جوانب دیدگاه اسلام در زمینه ارتباط زن و مرد نشان می‌دهد که آخرین دین آسمانی بهترین الگوی متعادل انسانی و عقلانی را برای حل یکی از مهمترین معضلات بشری ارائه کرده است.

دین با توصیه به ازدواج که راهی میان رها ساختن شهوت و رهبانیت است، به بُعد روانی و احساسی این امر نیز توجه کرده است. ازدواج یا پیوند مبارک می‌تواند عواطف زنانه و مردانه را کامل کند، احساسات آن دو را شکوفا سازد و دوستی و محبت را معنا نماید. از نظر قرآن یکی از پیامدهای برجسته ازدواج، حصول حالت سکونت، قرار و آرامش فکری و روحی می‌باشد:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از نشانه‌های او این که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام‌گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است (1).

خداوند در این بخش از سوره‌های روم به نشانه‌های شناسایی می‌پردازد و از انسان‌های عاقل، سمیع و اهل تفکر انتظار دارد که این نشانه‌ها را بشناسند؛ یکی از نشانه‌های خداوند روی زمین این که از جنس انسان برای او جفت آفرید تا در میان آنها سکونت، مودت، رحمت، تفاسیر به گونه‌های مختلف در این رابطه به تحلیل پرداخته‌اند؛ از آنجا که زن از جنس مرد است و مرد از جنس زن، طبعاً میان آن دو الفت و کششی شکل می‌گیرد. اما اگر همسر انسان از جنس انسان نبود و مثلاً از حیوان یا جن معین می‌شد هرگز رابطه عاطفی و مؤانست برقرار می‌گشت (2).

وجه دیگر این که اگر تمام انسان‌ها مرد بودند یا جنس زن کل بشر را تشکیل می‌داد، بسیاری از امور ضروری متوقف می‌شد. اولین نقصی که پدید می‌آید این بود که نسل بشر استمرار نمی‌یافت، نقص دیگر این که هرگز همکاری و همگرایی در میان نوع انسان شکل نمی‌گرفت (3).

المیزان به این نکته اشاره می‌کند که هر یک از دو جنس زن و مرد به تنهایی ناقصند و دست خلقت انواعی از کمبودها و نقص‌ها را در این دو جنس نهاده است. فلسفه وجود نقص در این دو جنس این است که زن و مرد یکدیگر را تکمیل کرده از اجتماع آن دو نوع واحدی شکل گیرد و حرکت جامعه رو به کمال رود. چنان که هر یک از دو جنس

زن یا مرد باید نقص خویش و نیاز به جنس مخالف را درک کنند تا بعد از پیوند میان آن دو محبت، سکونت و رحمت شکل گیرد (4).

سید قطب، ازدواج را دارای کارکردهای متنوعی دانسته به این امور اشاره می‌کند (5)؛ پیوند ازدواج موجب راحتی جسم و قلب می‌گردد؛ ازدواج، استقرار حیات و معاش از این طریق فراهم می‌گردد، انس روح و درون در گرو ارتباط میان دو جنس مخالف انسان است و این پیوند مبارک باعث حصول آرامش عصبی، فکری و روحی می‌گردد. امری که میان تمام دیدگاه‌های پیش‌گفته مشترک است این که مهمترین و برجسته‌ترین نقش و تأثیر ازدواج، حصول آرامش است. این آرامش می‌تواند به گونه‌های مختلف پدید آید نظیر آرامش عصبی، آرامش جسمی، آرامش فکری و آرامش روانی. بر این اساس می‌توان گفت تدبیر الهی چه زیبا تمامی خلأها و نیازهای وجود انسان را شناخته و با یک راهکار جامع تمامی آنها را پاسخ مثبت می‌دهد. همین مضمون در آیه‌ها و آیات دیگر بیان شده، اندیشمندان هم به تحلیل مسأله آرامش، مؤانست و الفت پرداخته‌اند (6)؛

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد (7).

حال اگر کسی مسیر مهار شهوت نپیماید و کنترل غریزه جنسی را رها کند به پریشانی، تشویش خاطر و ناامنی مبتلا خواهد شد و چه بسا افراط در این غریزه قدرتمند سبب نابودی وی شود. تردیدی نیست که عدم عفت چشم، باعث دل‌افکاری، شکل‌گیری اندیشه‌های باطل، درگیری با القائنات شیطانی و ناامنی درون خواهد شد. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) فرمود:

مَنْ أَطْلَقَ نَاطِرَهُ أَتَعَبَ فَاطِرَهُ وَ مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتُهُ دَامَتْ حَسْرَتُهُ؛ هر کس چشم‌چرانی کند، خاطر خود را آزرده است و کسی که پیوسته عادتش این باشد، همیشه در حسرت به سر می‌گردد (8).

علامه مجلسی (رحمه الله) به نقل از ابن اسحاق می‌گوید:

كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيْرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) يَسْكُنُ إِلَيْهَا؛ خدیجه (علیها‌السلام) دستیاری راستین برای اسلام بود و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به وجود او آرامش می‌یافت (9).

امام رضا (علیه‌السلام) نیز ضمن اشاره به آرامش‌بخشی شب، زن را عامل آرامش مرد بیان می‌فرماید:

همانا خداوند، شب را برای آرامش قرار داد و زنان را برای آرامش‌بخشی آفرید (10).

هدف آرامش‌بخشی در خانواده اهمیت دوچانه‌ای دارد؛ زیرا علاوه بر آنکه نفس این امر مطلوب و پسندیده است، دستیابی به اهداف دیگر خانواده نیز تا حدی زیادی به آرامش روانی همسران گره خورده است، اسلام دست یافتن به این هدف مهم را از دو مسیر دنبال می‌کند؛ ارضای نیازهای جنسی و ارضای نیازهای عاطفی.

انسان، نیازمند همدم و رفیقی است که در سایه انس و الفت با او، مشکلات و ناآرامی‌های درونش برطرف شود. ادله قرآنی و روایی فراوانی بر اهمیت توجه متقابل همسران به ارضای نیازهای عاطفی یکدیگر تأکید کرده‌اند. وجود این تأکیدها در منابع اسلامی حکایت از آن دارد که اسلام، نقش بسیار مهمی برای این عامل در تأمین آرامش روانی همسران قائل است. در اندیشه اسلامی، محبت الفبای زندگی خانوادگی است و استحکام بنای خانواده بر پی‌ریزی آن بر اصل محبت استوار است. محبت و ارضای نیازهای عاطفی، بنای زندگی را استوار و روابط همسران را ریشه‌دار می‌سازد. در سایه دوستی‌ها، احساس اطمینان به یکدیگر بیشتر شده و کانون خانواده گرم‌تر می‌شود؛ در نتیجه آرامش و سکون که رحمت بزرگ پروردگار است در آن استقرار می‌یابد.

خداوند، در آیه 21 سوره روم، از یک سو، آرامش روانی همسران را به عنوان هدف ازدواج بیان کرده و از سوی دیگر، از دوستی و مهربانی به عنوان کارکرد آن یاد می‌کند:

وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و میانتان دوستی و رحمت نهاد (11).

مفسران تفاوت‌هایی را برای مودت و رحمت بیان کرده‌اند (12)؛

- مودت؛ محبتی است که اثرش در مقام عمل هم ظاهر شود و رحمت؛ به معنای نوعی تأثیر نفسانی و درونی است.

- مودت؛ انگیزه آغاز ارتباط است ولی در ادامه رحمت جای آن را می‌گیرد.

- مودت؛ در خانواده، در مورد بزرگ‌ترها است، ولی فرزندان در سایه و رحمت؛ پرورش می‌یابند.

- مودت؛ طرفینی و متقابل است، ولی رحمت، یک جانبه و ایثارگرانه است.

براساس آموزه‌های دینی، نیاز به مهر و محبت و داشتن دوست و همراه در زندگی، از مهم‌ترین انگیزه‌های تشکیل خانواده است. مهر و محبت میان همسران، ارتباط کلامی و غمخواری و پذیرش یکدیگر، لازمه زندگی است.

وجود روابط عاطفی همراه با مهر و محبت و صمیمیت، نقش بسزایی در سلامت جسمی و روانی همسران ایجاد

می‌&zwj& کند. در مقابل، شدیدترین استرس‌&zwj&ها مربوط به از هم گسیختگی روابط خانوادگی می‌&zwj& شود. قرآن کریم در توصیف رابطه نزدیک زن و مرد از کنایه‌&zwj&ی زیبایی استفاده می‌&zwj& کند، که می‌&zwj& توان نکته‌&zwj&های ظریفی از آن برداشت نمود:

هِنَّ لَيَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لَيَاسٌ لَّهُنَّ؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید (13).

لباس کارکردهای متنوعی دارد. بدن انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد با اشیاء حفظ می‌&zwj& کند، عیب‌&zwj&های بدن را می‌&zwj&پوشاند و بدن را زینت می‌&zwj&دهد. همسران نیز همانند لباس، یکدیگر را از انحرافات حفظ می‌&zwj&کنند، عیب‌&zwj&های یکدیگر را می‌&zwj&پوشانند، وسیله راحتی و آرامش یکدیگر را فراهم می‌&zwj&کنند و هر یک زینت دیگر به شمار می‌&zwj&آید (14).

در منابع اسلامی راهکارها و مهارت‌&zwj&هایی جهت ارضای عاطفی در خانواده بیان شده است. براساس آیات قرآن، ارتباط و معاشرت زوجین باید براساس معروف و ارتباط شایسته باشد:

وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با آنها به شایستگی رفتار کنید (15).

ابوالقاسم فارسی می‌&zwj&گوید از امام رضا (علیه‌&zwj&السلام) معنای آیه (laquo&؛ فَاِمْسَاكٌ يَمَعْرُوفٍ& 16) را پرسیدم. حضرت (علیه‌&zwj&السلام) در پاسخ فرمود:

نگه‌&zwj&داری زنان با شیوه‌&zwj&ی انسانی، یعنی آزاری به او نرساند و هزینة زندگی او را بدون چشم‌&zwj&داشتی تأمین کند (17).

در روایات اسلامی نیز توصیه‌&zwj&های فراوانی جهت ارضای نیاز عاطفی زوجین شده است:

- براساس روایات، نشستن مرد در کنار همسرش برتر از اعتکاف در مسجد النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ نشستن مرد در کنار همسرش نزد خدای بزرگ دوست‌&zwj&داشتنی‌&zwj&تر از اعتکاف در مسجد من است (18).
- مرد در ازای گذاشتن لقمه در دهان همسرش، پاداش می‌&zwj&گیرد:
- مرد در برابر لقمه‌&zwj&ی که در دهان همسرش می‌&zwj&گذارد پاداش می‌&zwj&گیرد (19).
- نگاه محبت‌&zwj&آمیز زن و شوهر به یکدیگر سبب جلب محبت الهی می‌&zwj&شود:
- هرگاه بنده، به چهره‌&zwj&ی همسرش و همسرش به چهره‌&zwj&ی او بنگرد، خداوند به آن دو، با نگاه مهرآمیز می‌&zwj&نگرد (20).
- فشردن دست یکدیگر سبب آمرزش گناهان می‌&zwj&شود:
- هرگاه [زن و شوهر] دست یکدیگر را بگیرند، گناهان آن دو از میان انگشتان‌&zwj&شان فرو می‌&zwj&ریزد (21).
- توجه به نیازهای عاطفی همسر، برای زنان ارزشی معادل جهاد دارد:
- جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن نیکو شوهرداری است (22).

در روایت زیبایی امام هادی (علیه‌&zwj&السلام) از الفت دل‌&zwj&ها و ایجاد مهر و محبت به عنوان ثمرات پیوند آسمانی ازدواج یاد می‌&zwj&کنند:

خداوند، وصلت را مایه‌&zwj&ی الفت دل‌&zwj&ها و پیوستگی نسبی قرار داد. رشته‌&zwj&های خویشاوندی را [به واسطه‌&zwj&ی وصلت] به هم پیوست و آن را مایه‌&zwj&ی مهر و محبت ساخت. در این [پدیده]، برای مردمان، نشانه‌&zwj&هایی [از قدرت و رحمت خداوند] است (23).

امام رضا (علیه‌&zwj&السلام) نیز الفت بخشیدن میان دل‌&zwj&ها و افزایش مهر و محبت را یکی از فلسفه‌&zwj&های ازدواج بیان می‌&zwj&فرماید:

نیکی کردن به خویشاوند و نزدیک ساختن افراد دور به یکدیگر و الفت بخشیدن میان دل‌&zwj&ها [از آثار ازدواج است. (24)]

(سه) ارضای نیازهای جنسی و احساس جنسی و اندام‌&zwj&های مربوط به آن بخش مهمی از وجود انسان است. عدم توجه به این مهم، ناراحتی‌&zwj&های جدی و مشکلات روانی فراوانی را به دنبال دارد (25). از آنجا که در تعالیم اسلام طبیعت انسان نیز مورد توجه قرار گرفته است، از امتیازات مهم آیین اسلام این است که برخلاف برخی ادیان که بیشتر به روابط جنسی با دید منفی می‌&zwj&نگرند، نگاهی مثبت به این روابط داشته و آن را در پرتو رعایت تقوا و عفت جهت می‌&zwj&دهد؛ چرا که با ارضای این نیاز، بسیاری از هیجان‌&zwj&های بی‌&zwj&جا و ناراحتی‌&zwj&هایی مانند احساس محرومیت و سرکوب شدید، از بین می‌&zwj&رود.

در حقیقت اسلام به دنبال پرورش و ارضای یک نیاز است نه تحریک غیر طبیعی و ارضای بدون قید و شرط آن (26). از این رو اسلام ارضای جنسی را تنها از راه ازدواج می‌&zwj&پذیرد. همچنین، ارضای نیازهای جنسی از وظایف اساسی زن و مرد در مقابل یکدیگر است. در این رابطه زن یا مرد، نمی‌&zwj&توانند به بهانه عبادت از روابط جنسی سرباز زنند (27). رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به زنان سفارش فرمود:

نماز خود را طولانی نکنید تا همسران‌&zwj&تان را منع کنید (28).

آموزه‌&zwj&های اسلامی نه تنها به اصل برقراری روابط جنسی اهمیت می‌&zwj&دهد، بلکه به کیفیت و نتیجه آن که لذت طرفین است نیز توجه دارد؛ از این رو جهت رسیدن به این هدف راهکارهایی را بیان می‌&zwj&کند:

- توصیه به زنان برای تن دادن به روابط جنسی در شرایط مختلف:

وَلَا تَمْنَعَنَّ نَفْسَهَا وَ إِن كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ قَتَبْ؛ و او را از کامیابی مانع نشود، هرچند بر چهار شتری سوار باشد (29).

- زن باید با زیباترین لباس zwnj&ها و بهترین عطرها و بهترین لوازم آرایشی، خود را آراسته و بر مرد عرضه کند:
وَعَلَيْهَا أَنْ تَطَّيَّبَ يَاطْيَبِ طَيِّبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنَ زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَ عَشِيَّةً؛ بر زن است که خود را با خوش zwnj&بوترین عطرها خوش zwnj&بو کند و بهترین لباس zwnj&هایش را بپوشد و با بهترین زینت zwnj&ها خود را بیاراید و هر صبح و شام خود را بر همسرش عرضه کند (30).

- زن باید حیاى خود را در خلوت با شوهرش کنار بگذارد:

بهترین زنان شما کسی است که هنگام خلوت با همسرش زره حیا را کنار بگذارد (31).

- مرد نیز باید همان zwnj&گونه باشد که انتظار دارد، زن برای او آماده باشد:

اگر آراسته نباشی، آیا خوش داری که همسرت را نیز مانند خودت ببینی؟ عرض کردم، نه. فرمود: او نیز چنین است (32).

- توصیه به پرهیز از عجله و شتاب در روابط جنسی:

هرگاه یکی از شما خواست با همسرش آمیزش نماید، شتاب نکند که زنان را نیازهایی است (33).

حاصل آنکه ارضای نیازهای جنسی یکی از حکمت zwnj&های ازدواج و از عوامل آرامش zwnj&بخش است. این امر یکی از وظایف مهم زن و مرد بوده و هر دو جهت ارضای صحیح و مناسب آن مسئولند. توجه به زیبایی ظاهر برای جذاب بودن از جمله مواردی است که در روایات به آن سفارش شده است. راوی می zwnj&گوید: نزد امام رضا (علیه zwnj&السلام) رفتم. دیدم حضرت خضاب سیاه بسته است. عرض کردم: محاسن خود را سیاه کرده zwnj&اید؟ حضرت (علیه zwnj&السلام) فرمود:

خضاب عفت زن zwnj&ها را زیاد می zwnj&کند، اگر مردها خضاب می zwnj&کردند و خویش را آماده می zwnj&کردند، زنان از مسیر عفاف بیرون نمی zwnj&شدند (34).

چهار) تداوم نسل و مشروعیت zwnj&بخشی به فرزندان
تداوم نسل بشر، یکی دیگر از اهداف و کارکردهای مهم ازدواج است. نهاد خانواده همواره از راه تولید مثل، ماندگاری نسل بشر را تضمین کرده است. خداوند حکیم، حکمت خلق همسرانی از جنس خود انسان را این zwnj&گونه بیان می zwnj&فرماید:

قَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ؛ پدیدآورنده آسمان zwnj&ها و زمین است. از خودتان برای شما جفت zwnj&هایی قرار داد، و از دام zwnj&ها [نیز] نر و ماده [قرار داد]. بدین zwnj&وسیله شما را بسیار می zwnj&گرداند. چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا (35).

یکی از نشانه zwnj&های بزرگ تدبیر پروردگار و حکومت و ولایت او آن است که برای انسان zwnj&ها همسرانی از جنس خودشان آفریده تا از یک سو مایه آرامش روح و جان او بوده و از سوی دیگر بقای نسل افزایش جمعیت آنها را تضمین کند.

آموزه zwnj&های اسلامی با ترویج ارزش zwnj&های فردگرایانه و آسایش zwnj&طلبانه؛ نظیر شعار laquo&فرزند کمتر، زندگی بهتر raquo&، مخالف بوده، افزایش جمعیت را برای امت اسلامی تجویز می zwnj&کند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

اطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنِّي مُكَاثِّرُكُمْ الْأُمَمَ؛ فرزند خواهید؛ زیرا من بر بسیاری شما بر ملل دیگر می zwnj&نازم (36).

بکر بن صالح گوید: برای حضرت رضا (علیه zwnj&السلام) نوشتم: پنج سال است که از بچه zwnj&دار شدن خودداری کرده zwnj&ام؛ چرا که همسرم فرزند نمی zwnj&خواهد و می zwnj&گوید به خاطر نداری تربیت فرزند مشکل است. امام (علیه zwnj&السلام) در جواب نوشت:

بچه zwnj&دار شو که خداوند روزیش دهد (37).

در روایت دیگری امام رضا (علیه zwnj&السلام) پندی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد انتخاب همسر بیان می zwnj&فرماید: فرمایند که بیان zwnj&گر اهمیت توجه به فرزندآوری در ازدواج است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

با زن سیاه زایا ازدواج کن و با زن زیبای نازا ازدواج نکن؛ زیرا در روز قیامت، من به شما بر دیگر امت zwnj&ها مباحات می zwnj&کنم. آیا نمی zwnj&دانی که فرزندان در زیر عرش برای پدران zwnj&شان طلب آمرزش می zwnj&کنند، و ابراهیم (علیه zwnj&السلام) آنها را حضانت می zwnj&کند و ساره در کوهی از مشک و عنبر و زعفران پرورش zwnj&شان می zwnj&دهد (38)؟!

از دیدگاه اسلام، در کنار تولید نسل و تداوم آن، مشروعیت یافتن فرزندان نیز یکی از اهداف مهم ازدواج است. همچنین پیامدهای آن از جمله قبول مسئولیت تربیت فرزند از سوی پدر و مادر، انتقال نظام zwnj&مند ارث و تداوم شبکه zwnj&های خویشاوندی مورد تأکید قرار گرفته است.

امام رضا (علیه zwnj&السلام) در بیان حکمت تحریم زنا، مخدوش شدن اصل و نسب و تباه شدن مسأله ارث را مورد توجه قرار داده می zwnj&فرماید:

زنا به علت مفاسدی که در بر دارد حرام شده است؛ مانند قتل نفس، مخدوش شدن اصل و نسب، ترک تربیت کودکان،

تباه شدن موضوع ارث و میراث و امثال این مفاسد (39).

واقعیت‌های موجود دوران معاصر به ویژه در جوامع غربی، شاهد صادقی بر این مطلب است که عدم مشروعیت فرزند از عوامل اصلی، افزایش سقط جنین و خودداری پدران و مادران از تربیت کودکان است.

پنج) گسترش فرهنگ دینی براساس الگوی اسلامی، خانواده، عهده‌دار مراقبت و تربیت فرزندان است. هیچ نهاد یا مؤسسه‌ای در بهترین شرایط نیز نمی‌تواند فضای ارتباطی عاطفی را شکل دهد، که در خانواده به صورت طبیعی میان والدین و فرزندان شکل می‌گیرد. خانواده اولین مدرسه‌ای است که کودک، آینده فکری، فرهنگی و اعتقادی خود را بر پایه آموزش‌هایی که از آن دریافت کرده، بنا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت: گسترش فرهنگ دینی، از مهم‌ترین اهداف و کارکردهای ازدواج و تشکیل خانواده است. خداوند در آخرین کتاب آسمانی‌اش می‌فرماید:

يَسَاوُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ اَنْتُمْ وَاقْتُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا اَنَّكُمْ مَلَاقُوهُ وَبَشِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ زنا شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا [و هرگونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید، و برای شخص خودتان [در بهره‌مندی از آنها] پیشدستی کنید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد، و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده (40).

در این کریمه، خداوند با بیان تشبیهی زیبا، ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی یادآور می‌شود و به این نکته مهم اشاره می‌کند، که زن وسیله‌ای فرو نشانیدن شهوت و هوسرانی مرد نیست، بلکه وسیله‌ای برای حفظ و حیات نوع بشر است و این که هدف نهایی از آمیزش جنسی، لذت و کامجویی نیست بلکه باید از این موضوع برای پرورش فرزندان شایسته استفاده کرد (41).

علامه طباطبایی (رحمه الله) در تفسیر «وَاقْتُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا اَنَّكُمْ مَلَاقُوهُ» به نکته زیبایی اشاره فرموده و آن اینکه هر چند مسأله توالد و افزایش جمعیت انسان‌ها و جامعه مورد نظر این آیه است. ولی این امر فی نفسه مطلوب نیست، بلکه توالد برای این است که با آمدن افرادی جدید بر روی این کره خاکی ذکر خدای سبحان در زمین باقی بماند و افراد صالحی که دارای اعمال پسندیده هستند، پدید آیند، و کارهای نیکو و خیر آنها هم شامل خودشان شود و هم برای پدران و مادرانی که باعث پدید آمدن آنها شده‌اند (42).

در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: زمانی که حضرت یوسف (علیه‌السلام) برادرش را ملاقات کرد، به او گفت: برادر، چگونه پس از من توانستی ازدواج کنی؟! او در پاسخ نصیحتی از پدرش را یادآور شد. پدرم مرا امر کرد و فرمود:

اگر بتوانی از خودت فرزندی برجا گذاری که زمین را با تسبیح خداوند سنگین کنند، پس چنین کن (43).

در متون دینی سفارش‌های فراوانی به آموزش عقاید دینی و احکام شرعی و آموزش قرآن کریم به فرزندان دیده می‌شود. در سنت پیشوایان دین (علیهم‌السلام) مهارت‌هایی برای آشنایی کودکان با مسائل دینی مطرح شده است. شروع این مهارت‌ها از بدو تولد بوده که نشانگر اهمیت آن در نهادینه کردن فرهنگ دینی در فرزندان است:

- گفتن اذان و اقامه در گوش کودک

از سنت‌های مهم و ارزشمند برای آغازین لحظاتی که کودک پا بر کره خاکی می‌گذارد، گفتن اذان و اقامه در گوش کودک است. امام رضا (علیه‌السلام) فرمود:

هرگاه فرزندی به دنیا آمد، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او، اقامه بخوان (44).

فلسفه این سنت، آن است که کودک در برابر القائات و لغزش‌های شیطانی حفظ شده زمینه رستگاری او فراهم می‌شود (45).

- گشودن کام کودک با آب فرات

از دیگر سنت‌های مورد توجه امام رضا (علیه‌السلام) این است که دهان فرزند، پس از تولد، با آب فرات یا عسل گشوده شود:

اگر توانستی دهان بچه را با آب فرات یا عسل بگشا (46).

توجه به این دستور، از این حقیقت پرده بر می‌دارد که اسلام برای لحظه لحظه زندگی برنامه داشته، توجه به مسائل فرهنگی و باورهای مذهبی را مورد توجه ویژه قرار می‌دهد.

- آموزش قرآن

قرآن آخرین نامه الهی است که در بردارنده برنامه‌ای جامع برای سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها است. توجه به قرآن در خانواده و همجواری با آن و حضور در محضر این کتاب آسمانی عامل مهمی برای گسترش فرهنگ دینی در خانواده است. امام رضا (علیه‌السلام) فرمود:

برای خانه‌های خود، بهره‌ای از قرآن کریم قرار دهید؛ زیرا در خانه‌ای که قرآن قرائت شود، گشایش برای ساکنانش فراهم آید و خیرش فراوان شود و اهل خانه در برکت و فروزی باشند (47).

از سوی دیگر همیاری و حمایت معنوی اعضای خانواده به ویژه همسران از یکدیگر، خانواده را برای گسترش فرهنگ دینی یاری می‌رساند. در برخی از روایات به این نکته مهم اشاره شده که از ویژگی‌های همسر شایسته

آن است که همسرش را در بندگی و اطاعت خدا و انجام وظایف دینی یاری برساند (48).
حضرت امیر (علیه‌السلام) در ستایش همسر گرانقدرشان، حضرت فاطمه زهرا (علیها‌السلام) می‌فرمایند:

يَعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛ چه خوب یآوری بر طاعت خداست (49).

شش) پیشگیری از انحرافات اجتماعی یکی دیگر از کارکردهای نهاد خانواده، پیشگیری از انحرافات اجتماعی است. این مهم یا به صورت غیر مستقیم و از راه ارضای نیازهای جنسی و عاطفی محقق شده و یا به صورت مستقیم با نظارت‌هایی که اعضای خانواده بر یکدیگر دارند در دسترس قرار می‌گیرد. خداوند حکیم، یکی از وظایف مهمی که برعهده انسان‌ها گذارده است، حفظ نزدیکان و بستگان از سقوط در پرتگاه هلاکت و آتش دوزخ است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید: بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سخت‌گیر [گمارده شده] اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند (50).

از امام صادق (علیه‌السلام) درباره چگونگی حفظ خانواده از آتش دوزخ سؤال شد حضرت (علیه‌السلام) فرمود:

آنان را به آنچه خداوند امر کرده، امر می‌نمایی و از آنچه خداوند نهی نموده، نهی می‌کنی؛ پس اگر فرمانت را پذیرفتند، آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نافرمانی کردند، تو وظیفه‌ات را به انجام رسانده‌ای (51).

زن و شوهر با ارضای عاطفی و جنسی متقابل یکدیگر و واکنش مناسب در برابر رفتارهای نامناسب یکدیگر، زمینه‌های رویش انحرافات و آسیب‌ها را خشکانده و با آموزش و تربیت فرزندی همگام با معیارهای اسلامی، آن را در جامعه ریشه‌دار می‌سازند.

در روایت زیبایی امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: فرشته وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرود آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

دوشیزگان، همچون میوه‌های درخت هستند. پس چون برسد، راهی جز چیدن ندارد، وگرنه، بر اثر آفتاب و باد، خراب می‌شود. دوشیزگان نیز هرگاه به مرحله‌ی زنان برسند، راهی جز شوهر دادن ندارند، وگرنه، از گمراهی و فساد، ایمن نخواهند بود (52).

در حدیثی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیشگیری از برخی آسیب‌های اجتماعی را دلیلی برای ازدواج بیان فرموده است:

ای جوانان! هر کدام از شما که قدرت ازدواج دارید، ازدواج کنید؛ تا دیدگان‌تان کمتر زنان را دنبال کند و دامن‌تان پاک بماند (53).

حاصل آنکه ازدواج از نگاه دین، اهداف و کارکردهای متنوعی دارد؛ تأمین آرامش روانی همسران، ارضای نیازهای عاطفی، ارضای نیازهای جنسی، تداوم نسل، گسترش فرهنگ دینی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی از جمله کارکردها و اهدافی است که در آموزه‌های دینی برای خانواده بیان شده است.

پی‌نوشت‌ها:

1. روم / 21.

2. سمرقندی، بحرالعلوم، ج 3، ص 8؛ طوسی، التبیان، ج 8، ص 240، طبرسی، مجمع البیان، ج 8، ص 471؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ج 4، ص 204؛ ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج 6، ص 278؛ کاشانی، زبدة التفاسیر، ج 5، ص 257؛ نخجوانی، الفواتح الالهیه، ج 2، ص 118؛ حقی بروسوی، روح البیان، ج 7، ص 19؛ شبر، الجواهر الثمین، ج 5، ص 83؛ ابن عجیبه، البحر المدید، ج 4، ص 332؛ آلوسی، روح المعانی، ج 11، ص 31؛ مغنیه، الکاشف، ج 6، ص 136؛ آل غازی، بیان المعانی، ج 4، ص 444؛ مراغی، تفسیر مراغی، ج 21، ص 37؛ شیرازی، تقریب القرآن، ج 4، ص 235.

3. نخجوانی، الفواتح الالهیه، ج 2، ص 118؛ حقی بروسوی، روح البیان، ج 7، ص 19؛ آلوسی، روح المعانی، ج 11، ص 31؛ مغنیه، التفسیر المبین، ج 1، ص 533.

4. طباطبایی، المیزان، ج 16، ص 166.

5. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 5، ص 2763.

6. ثعلبی نیشابوری، الکشف و البیان، ج 4، ص 314؛ زمخشری، الکشاف، ج 2، ص 386؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ج 3، ص 45؛ ابن عاشور، التحرير و التنویر، ج 8، ص 358؛ قاسمی، محاسن التأویل، ج 5، ص 235.

7. اعراف / 189.

8. نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 268.

9. مجلسی، بحارالانوار، ج 19، ص 5؛ اربلی، کشف الغمة، ج 1، ص 511.

10. مجلسی، بحارالانوار، ج 100، ص 278.

11. روم / 21.

12. طباطبایی، المیزان، ج 16، ص 166؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 16، ص 393.

13. بقره / 187.
14. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 1، ص 650.
15. نساء / 19.
16. بقره / 229.
17. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 21، ص 513.
18. ورام، تنبیه الخواطر، ج 2، ص 122.
19. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج 3، ص 70.
20. متقی هندی، کنز العمال، ج 16، ص 276.
21. همان.
22. صدوق، الفقیه، ج 3، ص 439.
23. کلینی، الکافی، ج 5، ص 373.
24. همان؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 100، ص 264.
25. ستیر، آدم&zwjz; سازی در روان&zwjz; شناسی خانواده، ترجمه بهروز بیرشک، ص 131.
26. مطهری، اخلاق جنسی، ص 55.
27. بروجردی، جامع الاحادیث، ج 25، ص 102.
28. کلینی، الکافی، ج 11، ص 166.
29. صدوق، الفقیه، ج 3، ص 438.
30. کلینی، الکافی، ج 5، ص 508.
31. همان، ص 324.
32. همان، ص 567.
33. صدوق، الخصال، ج 2، ص 637.
34. کلینی، الکافی، ج 5، ص 567؛ عطاردی، مسند امام رضا (ع)، ج 2، ص 370.
35. شوری / 11.
36. حرّانی، تحف العقول، ص 105.
37. کلینی، الکافی، ج 6، ص 3، طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 224.
38. کلینی، الکافی، ج 5، ص 334؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 103، ص 237.
39. صدوق، علل الشرائع، ج 2، ص 479.
40. بقره / 223.
41. ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 2، ص 141-142.
42. طباطبائی، المیزان، ج 2، ص 212.
43. کلینی، الکافی، ج 5، ص 329؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، ص 16.
44. الفقه الامام الرضا (ع)، ص 239؛ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 20.
45. مجلسی، بحار الانوار، ج 81، ص 162.
46. الفقه الامام الرضا (ع)، ص 239؛ کلینی، الکافی، ج 11، ص 382؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 101، ص 116.
47. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 6، ص 200؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 89، ص 200.
48. همان، ج 14، ص 14 و 24.
49. مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 117.
50. تحریم / 6.
51. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص 417.
52. صدوق، عیون اخبار الرضا (علیه&zwjz; السلام)، ج 1، ص 289؛ همو، علل الشرائع، ص 578.
53. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 197؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 153.
منبع مقاله :
- فعّالی، محمد تقی، (1394) سبک زندگی رضوی (3)- ازدواج و خانواده، مشهد: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع)، چاپ اول.